

--- پاورقی ---

- ۱- نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۹۲
- ۲- در چهارده جای نهج البلاغه، علی علیه السلام در موضوع کشته شدن عثمان بحث کرده است.
- ۳- اسراء / ۳۳
- ۴- هنگامی که انقلابیون ریختند که عثمان را بکشند، او خودش را انداخت روی بدن عثمان، یک شمشیری که خواستند بزنند به تن عثمان به دست آن زن خورد و انگشت او (یکی یا بیشتر) قطع شد.
- ۵- نهج البلاغه، صبحی صالح خطبه ۱۲۶
- ۶- نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۱۹۱
- ۷- العقد الفريد، ج ۲ ص ۳۸۹
- ۸- نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۲۳۶
- ۹- زمل / ۶۵. ۱۰- اعراف / ۲۰۴
- ۱۱- روم / ۶۰.
- ۱۲- نهج البلاغه، خطبه ۹۲.
- ۱۳- یعنی بعد از اینکه اصلا اوضاع شبیه ناک و شک آمیز و تردید آورنده بود. ابن عباس هم که می رفت اینها را می دید شک می کرد. فضا مه آلود بود. خودش فرمود افقها را مه گرفته است. وضع، وضعی نبود که یک سرباز مسلمان که می خواهد به نام اسلام به جنگ برود اطمینان نداشته باشد که به نفع اسلام کار می کند. وقتی که مقابل می شد با یک عده ای که می دید از خودش عابد و زاهدترند، از خودش کمتر گناه می کنند، از خودش بیشتر نماز می خوانند و آثار عبادت را در وجهه و چهره اینها می دید، دست او تکان می خورد، اگر شمشیرش بالا می رفت، دستش می لرزید، دلش می لرزید که من چگونه به روی اینها شمشیر بکشم، و اگر علی و رکاب علی نبود و اگر آن افرادی که در رکاب علی بودند اطمینانشان به علی نبود محال بود که به روی اینها شمشیر بکشند. اوضاع خیلی شبیه ناک بود و حق هم داشتند، ما و شما هم اگر می بودیم دستان به آن طرف نمی رفت. ۱۴- همیشه بی سوادها و نادانها و جاهلها وقتی که در مقابل دانشمندا، با قدرتها، با هنرها قرار می گیرند و می بینند جامعه

برای اینها احترام قائل است، نمی‌دانند چه بکنند، ابزار دیگری که ندارند، اگر بگویند بی‌سواد است، آثار علمیش را می‌بینند، اگر بگویند بی‌هنر است هنرش را دارند می‌بینند، اگر بگویند بی‌عقل است عقلش را دارند می‌بینند، چه بگویند؟ آخرش می‌گویند این دین ندارد، این کافر است، این مسلمان نیست.

۱۵- درباره رابطه استاد شهید با حسینیه ارشاد، رجوع شود به کتاب سیری در زندگانی استاد مطهری،

چاپ انتشارات صدرا.

۱۶- نهج البلاغه، خطبه ۶۰.

۱۷- زمر / ۱۹.